

مطالعه انسان‌شناختی پدیده «خون‌بس» در منطقه صیدون خوزستان

* کریم خان محمدی

** حکیمه احسانی

چکیده

خون‌بس، از رسوم سنتی بخشی از ایلات کشور برای حل منازعات قومی و نوعی قرارداد اجتماعی با سازوکارهای بومی برای رفع شکاف‌های به‌وجود آمده میان اقوام و احیاء انسجام و همبستگی ایلی است. در این سنت قومی، زنان بخشی از دیه مقتول محسوب می‌شوند. این پدیده اجتماعی، در میان مردم ایل بهمنی ساکن در منطقه صیدون خوزستان و در محدوده مکانی جنوب غربی ایران نیز جاری بوده است. چستی، عوامل، کنش‌گران، کارکردها و آثار اجتماعی این پدیده از مسائلی است که نیاز به مطالعه و کنکاش جدی دارد. نوشتار حاضر برگرفته از پژوهشی جامع با هدف پاسخ به مسائل مذکور است که در سال ۱۳۹۶، با رویکرد انسان‌شناختی و با روش میدانی و بهره‌گیری از تکنیک‌های مصاحبه، مشاهده و بررسی اسناد مکتوب و قراردادهای غیرمکتوب به انجام رسیده است. بر اساس یافته‌های پژوهش: محدودیت سرزمینی، قراردادهای ایلی و نظام ایلخانی از زمینه‌های این پدیده و قتل، جرح و خسارت از عوامل مهم آن است و کارکردهایی مانند: وحدت ایلی، رفع اختلافات، گسترش جمعیت و نظام خانواده، حفظ انسجام و نیز کنشگرانی همچون بزرگان، کدخداها و زنان دارد. «خون‌بس» گرچه دارای آثار کوتاه‌مدت قومی بوده اما در بلندمدت پیامدهای نامطلوبی برای برخی کنشگران در پی داشته است؛ ضمن آنکه ابعاد از آن با آموزه‌های اسلام ناهمخوانی دارد.

کلیدواژه‌ها

خون‌بس، صیدون، ایل بهمنی، آداب و رسوم، منازعات قومی.

مقدمه

اقوام سرزمین ایران، - سوای از وجوه مشترک فرهنگی و ملی - دارای آداب و رسوم متفاوتی هستند. اقوام در درون خود، متناسب با بافت اجتماعی، فرهنگی و شیوه زیست خود، سنت‌های ویژه‌ای را برای تعامل و ارتباط با یکدیگر دارند. نمونه‌های بارز این سنت‌های قومی در اعیاد، مراسم بومی و دینی، اختلاف‌ها، پیوندها و صلح و سازش نمایان شده و وجه عینی می‌یابند.

از آداب و رسوم سنتی در میان مردمان منطقه صیدون (بخشی از ایل بهمئی، زیرشاخه‌های قوم لر) پدیده «خون‌بس» است؛ رسم دیرینه‌ای که وجود و رواج آن در میان دیگر اقوام ایرانی نیز به اشکالی مشابه یافت می‌شود. خون‌بس، نوعی پیمان صلح برای پایان‌دادن به درگیری و نزاع میان دو گروه از اقوام است که به سبب زخمی‌شدن یا مرگ یک یا چند نفر یا واردشدن خسارت قابل توجه و یا بروز مسائل اخلاقی و زناشویی، با یکدیگر درگیر شده یا قطع رابطه کرده‌اند. این رسم، به واسطه قراردادهای سنتی کتبی یا شفاهی برای پرداخت دیه و خسارت و نیز جلوگیری از تداوم درگیری و خون‌ریزی بیشتر و برقراری آشتی میان طوایف شکل می‌گیرد. در این پدیده، بنابر تصمیم بزرگان ایل، طایفه و یا ایلی که مقتول از آنهاست یا خسارت‌دیده هستند و یا در مسائل اخلاقی و جنسی، مورد تعدی قرار گرفته‌اند، در کنار دریافت اموال منقول یا غیرمنقول از متعديان، دختری از خانواده یا نزدیکان طایفه مقابل را به عقد یکی از فرزندان و یا بستگان خود در می‌آوردند.

خون‌بس که با نام‌های «خون‌بری» یا «خون‌بها» نیز شهرت دارد و از گذشته دور تا سالیان اخیر تداوم داشته است ولی در حال حاضر، بسیار کم شده و تا حد زیادی شکل و مفاد توافقی آن تغییر یافته است؛ البته این پدیده، علی‌رغم تغییرات فرهنگی و گسترش نظام حقوقی و پیدایش نهادهای قانونی بعد از انقلاب اسلامی، هنوز کارآیی لازم را دارد و در موارد خاصی برگزار می‌شود.

پدیده «خون‌بس»، سوای از فواید نسبی آن، که مورد توجه اقوام بوده و سبب تداوم آن نیز شده است، همواره آسیب‌های متعدد فردی و اجتماعی را به دنبال داشته است اما به دلیل ناشناخته ماندن در سطح عموم و جامعه علمی، هیچ‌گاه از منظر اجتماعی، فرهنگی و به‌ویژه

دینی، مورد بررسی و نقد جدی پژوهشگران قرار نگرفته است؛ بنابراین بر اساس همان شکل سنتی خود، گاهی اجرا می‌شود. این که پدیده «خون‌بس» چیست؟ زمینه‌ها و عوامل آن چه چیزهای هستند؟ کنش‌گران آن چه کسانی‌اند؟ چه کار کرد و آثاری را به دنبال داشته است؛ از جمله سوالاتی است که تحقیق حاضر به دنبال یافتن پاسخی مناسب برای آن‌هاست. رویکرد انتقادی مقاله، نیز کمک می‌کند تا ابعادی از مسئله بعد از تحلیل جامع، از منظر اسلام نقد شود.

مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی میدانی و حاصل تلاش‌های مستمر درباره بررسی پدیده رسم «خون‌بها» یا «خون‌بس» در منطقه صیدون از توابع شهرستان باغ‌ملک استان خوزستان است که با حضور متوالی محقق در این منطقه و با انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته و گفت‌وگوهای مداوم در زمان و مکان‌های مختلف با عاملان و بازیگران این پدیده، مشاهده مشارکتی محقق، بررسی اسناد و قباله‌های محلی، مطالعه پیشینه تاریخی از کارهای انجام شده مرتبط با موضوع، در قالب یک پژوهش به ثمر نشست.

۱. روش پژوهش

از آن‌جا که این پژوهش، یک مطالعه انسان‌شناختی بوده، از روش کیفی و شیوه میدانی برای گردآوری اطلاعات به شکل زیر استفاده شد:

۱-۱. مصاحبه

عمده‌ترین فن در این پژوهش، مصاحبه‌های عمیق بود که با پرسش‌های نیمه‌ساخت یافته انجام می‌گرفت؛ یعنی محور سؤالات مشخص بود؛ ولی سؤالات و تعداد آن‌ها بر مبنای نوع زندگی افراد و شرایط تغییر پیدا می‌کرد. مصاحبه‌ها با کنش‌گران اصلی این رسم دیرینه مانند: بزرگان قوم، کدخداها و افراد با اطلاع، زنان خون‌بس و فرزندان آن‌ها، والدین دختران خون‌بس و... انجام شد. در مواردی به دلیل شرایط فرهنگی و اجتماعی، محقق ناچار شده برای بدست آوردن اطلاعات واقعی، دو یا سه نوبت مصاحبه از یک نفر انجام دهد. جامعه نمونه در این بخش، ۵۰ نفر بوده است که به شیوه معرفی توسط بزرگان قوم انتخاب شده‌اند.

۲-۱. مشاهده

در تمام تحقیقات کیفی، مشاهده به‌عنوان روش اصلی و زیربنایی و سرنوشت‌ساز به‌حساب می‌آید و برحسب نوع و میزان درگیری محقق با میدان پژوهش، مشاهده نیز متفاوت خواهد بود (مارشال و پارسائیان، ۱۳۹۰: ۱۱۰). محقق با حضور چندباره در منطقه و مشاهده مستقیم زندگی افراد مرتبط با این پدیده، به‌خصوص زندگی دختران و زنانی که شیوه ازدواج و زندگی مشترک آن‌ها با این رسم گره خورده بود، بخشی از اطلاعات را گردآوری کرده است.

۳-۱. بررسی قراردادهای

اسناد، شجره‌نامه و مدارک قومی مانند: قراردادهای ایلی، اسناد ازدواج زنان، برخی تصاویر، فیلم و سایر مدارک نیز تکمیل‌کننده داده‌های مورد نیاز بوده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. خون‌بس

واژه‌ای که از ترکیب «خون» و «بس» تشکیل شده است. در لغت به‌معنای، قطع خون، کافی بودن خون و قطع جریان خونی است که راه افتاده است (دهخدا، ۱۳۳۴، ج ۱: ۴). «بس»، در فرهنگ معین، به‌معنی کافی است که الفاظ دیگرش «بسا و بسی» است (معین، ۱۳۶۴، ج ۱: ۵۲۵). در اصطلاح منطقه صیدون نیز خین‌بس، (خین در زبان لری؛ یعنی خون) (ارشادی، ۱۳۸۸: ۳۶۳) مساوی با پایان نزاع و اصلاح روابط طوایف است. در فرهنگ عامیانه، برخی «خین‌بس» را سنتی پسندیده برای اهداف ایلی دانسته و گروهی هم آن را رسمی ناپسند می‌دانند؛ چراکه برخی از کنش‌گران آن؛ مانند زن مورد ظلم واقع شده و یا سبب شکل‌گیری جبرهای اجتماعی می‌شود؛ مانند پرداخت مال توسط کسانی که مشارکت در نزاع نداشته‌اند یا ضمانت‌کردن برخی تندروی‌ها و رفتارهای افراط‌گرایانه برخاسته از تعصبات قومی.

۲-۲. انسان‌شناسی

عبارت از: هر نوع مطالعه و پژوهش روشمند و نظام‌یافته درباره انسان به‌لحاظ فردی یا اجتماعی به‌منظور شناخت ماهیت و حقیقت، یا وجهی از وجوه جسمانی، روحی، روانی، فرهنگی و اجتماعی انسان است (طالبی و محسنی، ۱۳۹۵: ۱۳۶). انسان‌شناسی، دارای دو کاربرد عام و خاص است. در کاربرد عام، به هر دانش روشمندی که در پی مطالعه و شناخت بُعدی از ابعاد وجودی انسان باشد، اطلاق می‌شود اما در اصطلاح خاص، معادل دانش آنتروپولوژی^۱ است که زیرمجموعه علوم اجتماعی قرار می‌گیرد و به‌معنای مطالعه انسان در ابعاد جسمانی - زیستی و فرهنگی - اجتماعی با روش تجربی است.

۲-۳. ایل بهمنی

به‌طور کلی، قوم لر به دو شاخه: لر کوچک و لر بزرگ تقسیم می‌شوند که ایل بهمنی از طوایف لر بزرگ به‌شمار می‌آیند. سکونت‌گاه آن‌ها در منطقه نیمه‌کوهستانی جنوب غربی ایران در بین استان‌های خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری قرار دارد و شهرهایی مانند رامهرمز، باغملک، بهبهان، جازان، دهدشت، بهمنی، صیدون، میداود، لکک و دیشموک مکان اصلی زیست آنان به‌شمار می‌آید (افشارنادری، ۱۳۹۲: ۷۶). شواهد باستان‌شناسی حاکی از آن است که سرزمین‌های گرنشین از زمان‌های بسیار کهن - بیش از چهل هزار سال - مسکون بوده‌اند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۴: ۶۰). ایل بهمنی در گذشته، تابع نظام ایلخانی بود و بنا به موقعیت‌های جغرافیایی و مناسبات ایلخانی به چند شاخه وابسته به خوانین تقسیم می‌شدند که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این دسته‌بندی از بین رفته است اما نظام مناسباتی و ارتباطات بر اساس قبیله همچنان پابرجاست. نظام اجتماعی ایل بهمنی متشکل از طوایف است. هر یک از طوایف به تیره‌های متعددی تقسیم می‌گردند. این سلسله‌مراتب نظام اجتماعی عبارت است از: ایل، طایفه، تیره، نَش^۲، اولاد، مال^۳ و

1. Anthropology.

۲. به زیرمجموعه کوچک‌تر از تیره، نَش می‌گویند.

۳. منظور از مال دو تا ده خانوار می‌باشد.

خانوار (رحمتی، ۱۳۸۶: ۷۲). محمدی (خلیلی)، علاء‌الدین، محمد‌میسّا و نری‌میسّا از مهم‌ترین طوایف ایل بهمنی [ساکن در منطقه محل پژوهش] به‌شمار می‌آیند که هر یک دارای قبایل و تیره‌های متعددی است (افشارنادری، ۱۳۹۱: ۳۰۵-۳۱۲).

در گذشته، شیوه زندگی کوچ‌نشینی (نیلاق و قشلاق) در میان آن‌ها رواج داشته اما در سال‌های اخیر، اکثریت جمعیت این ایل، یک‌جانشینی را اختیار کرده است. جمعیت کل بهمنی‌ها به سبب پراکندگی در چند استان هم‌جوار، دقیقاً مشخص نیست اما به‌طور تقریبی بیش از ۱۵۰ هزار نفر است (ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد، ۱۳۹۵). دین و مذهب تمام مردم بهمنی، اسلام و شیعه دوازده امامی است. اعتقادات عمیقی به ائمه اطهار : و اولاد آن‌ها دارند و سادات و نوادگان امامان نزد آن‌ها محترم هستند؛ چنان‌که بقاع متبرکه سادات علوی در این منطقه بسیارند و محل زیارت و رجوع دائمی آن‌ها است و از همین رو، یکی از اولویت‌های اصلی زندگی یک‌جانشینی و ساختن محله و شهرهای این ایل، وجود و محوریت امامزادگان بوده است. زبان آن‌ها لری با گویش بهمنی است که دنباله زبان اوستایی به‌شمار می‌آید.

۴-۲. منطقه صیدون

منطقه صیدون - بخشی از محل سکونت ایل بهمنی از ایلات ساکن در جنوب ایران - از توابع شهرستان باغ‌ملک استان خوزستان است که در جوار امام‌زاده عبدالله، از نوادگان امام سجاد 7، مدفون در منطقه‌ای کوهستانی و بسیار ناهموار (شاه‌منگشت) و در دامنه کوه‌های زاگرس به‌ویژه کوه سیاه قرار گرفته است (روالینسون، ۲۵۳۶ ش: ۵۶). در مرکز این بخش، شهر صیدون و در حومه آن، تعداد زیادی از روستاهای کوچک و بزرگ مانند: اعلاء، چلسرخ، رودزیر، طلاور، واجل و... متشکل از ایلات بهمنی ساکن هستند. جمعیت این منطقه بالغ بر ۳۰ هزار نفر است و شغل اصلی آن‌ها کشاورزی و دامداری است. صیدون از مهم‌ترین مکان‌های زیست ایل بهمنی است که دارای چندین رودخانه مهم و زمین‌های حاصل‌خیز و آب و هوای معتدل و خنکی است.

۳. پیشینه خون‌بس

برخی پژوهش‌ها و تالیفات تاریخی یا مردم‌شناسی قومی به‌صورتی گذرا و به‌تناسب، به

پدیده خون‌بس اشاره کرده‌اند. گرچه برخی از آثار نیز در بردارنده اطلاعات غیرمستند، تحریف‌شده و یا رونویسی از آثار گذشته است. برخی از منابع مرتبط با موضوع عبارتند از: قیام ۱۳۱۶ طایفه علاءالدینی علیه حکومت رضاخان تالیف: ماندنی رگبارمقدم، ۱۳۸۷ که به معرفی اقوام و حوادث سیاسی منطقه بهمئی پرداخته است. مقاله «بررسی روش‌های سنتی حل منازعات قومی ناشی از قتل در بین عشایر شهرستان ایذه؛ رسم خون‌بری یا خون‌بس» اثر ارجمندی و نوروزی، منتشر شده در شماره ۱۰ نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران و پایان‌نامه «بررسی تجرب‌شناسی خون‌صلح»؛ حسین مرادقلی در دانشگاه علامه طباطبایی که نویسنده آن معتقد است در جوامعی که پدیده خون‌بس وجود دارد، با وقوع قتل، جامعه به دو گروه بزه‌دیده و بزه‌کار تقسیم می‌شود. به همین دلیل، خون‌صلح با مشارکت فعال جامعه محلی، اولیاء دم، قاتل و اقوام او، موجب ترمیم روابط گسسته شده جامعه و پیشگیری از وقوع جرائم احتمالی در آینده می‌شود. با این وجود، وجه تمایز پژوهش حاضر آن است که علاوه بر تاکید خاص بر خون‌بس، با رویکرد متمایز انسان‌شناختی و ساختاری روشمند و علمی به دنبال مطالعه عمیق و چندجانبه این پدیده فرهنگی - اجتماعی با شیوه‌ای کیفی است.

۴. زمینه‌های خون‌بس

۴-۱. حوزه سرزمینی

حوزه سرزمینی هر طایفه از مهم‌ترین عوامل ایجاد وحدت و همکاری ایلی و بالطبع سبب جدائی و رقابت با طوایف رقیب است؛ چنان‌که می‌توان یکی از ارکان تعریف قبیله را اشتراك سرزمین در کنار نسب خانوادگی دانست. از همین‌رو، سرزمین یک طایفه که شامل تمامی منابع طبیعی (کوه، درختان، مرتع و راه‌های مال‌رو در هنگام کوچ بهاره و پاییز که گاه ده‌ها کیلومتر به طول می‌انجامد) و غیرطبیعی (سکونت‌گاه‌های ثابت و موقت، علائم و نشانه‌ها) محدوده خاصی از سرزمین است، همواره در هنگامه عبور امواج انسانی و کوچ احشام و حیوانات و استفاده کوتاه‌مدت از منزل‌گاه‌های مسیر راه و چشمه‌های آب، محل برخورد و ایجاد نزاع و جنگ‌های قبیله‌ای است. علت این‌گونه نزاع‌ها، آن است که در برخی اوقات، قبیله‌ای یا چند خانوار بدون هماهنگی و مراعات زمانی و مکانی در جایگاه و

چراگاه (وار) قومی دیگر - حتی برای روزهای کوتاه - مستقر می‌شوند. این عدم‌هماهنگی باعث می‌شود همه طوایفی که به کوچ مداوم و منظم در جایگاه خاص خود ادامه می‌دهند، دچار مشکل شوند و لذا زمینه برای برخوردهای خصمانه و در نتیجه، درگیری و خون‌ریزی فراهم آید. گاهی علت اختلاف، چگونگی تقسیم آب و تعیین حدود محل چرای احشام و یا محدوده سرزمینی اعم از کوه‌ها، سرچشمه‌ها، مزارع و باغات است.

۲-۴. مراتع

مراتع و زمین‌های زراعتی، موجب نزاع و درگیری میان اقوام هم‌جوار می‌شود (گودزی، ۱۳۷۴: ۱۳۷). مراتع به‌ویژه چراگاه‌های زمستانی و زمین‌های کشاورزی از مهم‌ترین عوامل ادامه زندگی مردم این مناطق است. با ازدیاد جمعیت و کمبود منابع، اهمیت و ضرورت حراست از مراتع بیشتر شده تا جایی که اکنون تمامی آنها تقریباً دارای حصار گردیده است. عبور حیوانات یا حتی افراد از این موانع سبب بروز اختلاف و نزاع در قبایل است. البته اگر به‌طور ناخواسته و غیرعمد، انسان و یا دامی وارد مرتع و یا زمین‌های زراعتی یا چراگاه (به قول اهالی منطقه «وار») شود، برخوردهای خصمانه به وجود نمی‌آید، ولی در صورت عمدی بودن و یا تکرار رفتارهای غیرعمد، اختلاف و نزاع شکل می‌گیرد.

۳-۴. تعصبات قومی

مردم ایل نسبت به طایفه خود بسیار متعصب‌اند و چنان‌چه فردی به طایفه‌شان توهین کند، درگیری پیش می‌آید. تعصبات سنتی میان شاخه‌های مختلف ایلی به وفور مشاهده می‌شود.

دشمنی دیرینه میان دو ایل، طایفه یا تَش، همیشه این خطر را دارد که با بروز هر مسئله‌ای، درگیری و نزاع آغاز شود. گاهی در فرهنگ قبیله‌ای، وجوه تشابه و تمایز اقوام و نسب خانوادگی نیز زمینه شروع نزاع قرار می‌گیرد؛ عشیره در طول ده‌ها نسل از پدران شکل گرفته است و نسب‌شناسی از علوم ضروری و اولیه هر فرد است؛ به گونه‌ای که پدر، فرزندش را از ابتدای کودکی با نام اجدادش آشنا می‌کند و می‌کوشد تا آن‌ها را سلسله‌وار به حافظه فرزند بسپارد. ندانستن نام اجداد، یک ضعف ایلی است. افتخار به اجداد و نوعی

حفظ کینه از دشمنان و رقبای آنان و قاتلان گذشته، در قالب داستان‌های ریش سفیدان به نسل جدید منتقل می‌شود. تکیه و اعتماد زیاد به گفته‌های سنتی بزرگان قومی، علاقه شدید به تفنگ و تیراندازی، مهارت در تیراندازی، اهمیت دادن ریش سفیدان محلی و بزرگان قوم به افراد بر اساس قدرت جنگی، شکار پرندگان و حیوانات، باارزش بودن شرکت در نبردهای قومی و ستیزه، زبون دانستن تسلیم و عدم پذیرش رأی دیگران، زمینه‌ها و عوامل ایجاد اختلاف در بین مردم منطقه بوده است. در دوره‌های اخیر نیز تعصبات قومی، گاهی در سهم خواهی از توسعه و امکانات، اشتغال و مانند آن بروز می‌یابد.

۴-۴. روابط میان قومی و خویشاوندی

اهالی منطقه صیدون علی‌رغم طایفه‌گری و وجود نظام قبیله‌ای، دارای روابط قومی خویشاوندی می‌باشند. ارتباطات خویشاوندی در میان آن‌ها بسیار است. به طور کلی در میان اقوام لر و بختیاری احساسات دوستانه شدیدی وجود دارد و روابط خویشاوندی را نیز ارج می‌نهند (مکین روز، ۱۳۷۳: ۱۲۵). بخش عمده‌ای از این خویشاوندی، برای حفظ انسجام قومی است؛ چنان‌که شرایط ازدواج‌های درون‌قومی با برون‌قومی متفاوت است. همین ارتباطات، باعث شده تا اگر احیانا اختلافی بین دو طایفه به وجود بیاید، طوایف دیگر برای حل آن مشکل، واسطه‌گری کنند و میان دو قبیله که درگیر هستند، سازش ایجاد می‌کنند. همه این تعاملات، ناشی از احساس همبستگی اجتماعی است که در درون خانواده‌های ایلی نیز نهادینه شده است؛ چنان‌که امیل دورکیم - انسان‌شناس و جامعه‌شناس فرانسوی - همبستگی اجتماعی را نوعی پیوند و روابطی می‌داند که از وجدان جمعی ناشی می‌شود (فکوهی، ۱۳۸۱: ۱۴۱).

۴-۵. نظامات ایلخانی

بی‌شک بسیاری از نزاع‌های قبیله‌ای، ناشی از دو دستگی‌هایی است که نظام ایلخانی در میان اقوام پدید آورده و به گونه‌ای در آن‌ها نهادینه کرده که علی‌رغم تغییرات بسیار در نوع زندگی و شکل ارتباطات مردم، این دودستگی‌ها همچنان تداوم دارد. در نظام ایلخانی، اغلب درگیری‌ها و اختلافات داخلی و خارجی ایلات و طوایف، به خاطر کسب قدرت

اتفاق می‌افتاد. قدرت در گذشته، علاوه بر ایجاد منزلت برای خوانین منطقه، سرزمین‌های وسیع‌تر و در نتیجه، باج و خراج بیشتری فراهم می‌آورد و خان، می‌توانست با وضع اقتصادی بهتر، افراد زیادتری را تحت سلطه خویش قرار دهد (افشارنادر، ۱۳۹۱: ۱۱۹). با مطالعه اسناد تاریخی این منطقه، می‌توان دسته‌بندی اقوام و طوایف را بر اساس نظام ایلخانی مشاهده کرد؛ چنان‌که در رأس هر دسته ایلخانی (که متشکل از چند طایفه بود)، یک خان و کلانتر حضور داشت (ایوانف، ۱۳۸۵: ۱۳۷-۱۴۱).

۴-۶. حساسیت‌های ناموسی

هتک ناموس در میان ایل بهمنی و مردم منطقه صیدون، گناهی نابخشودنی است و وقوع چنین امری، موجب درگیری و ستیزه‌های شدید می‌شود. اعضای جامعه نسبت به عمل زنا حساسیت و واکنش شدیدی نشان می‌دهند و جرمی، پاک‌نشدنی تلقی می‌شود؛ هرچند از طریق قراردادهای اجتماعی یا حقوقی جبران شود. نزاع‌های متعددی میان طوایف در طول تاریخ این ایلات وجود دارد که منشأ اصلی آن‌ها، مسائل ناموسی بوده است و در طی آن، چندین نفر کشته شده‌اند؛ چنان‌که محتوای برخی مصاحبه‌ها نیز چنین وقایعی را روایت می‌کنند.

۵. عوامل خون‌بس

۵-۱. قتل عمدی

به قتل‌هایی گفته می‌شود که بر اثر درگیری‌های قبیله‌ای به وجود می‌آید و قتل آگاهانه صورت می‌گیرد؛ هرچند در فرهنگ قومی، بسیاری از قتل‌های ناآگاهانه نیز به مثابه قتل عمد محاسبه شده و جبران خسارت همچون مانند قتل آگاهانه پرداخت می‌شود. این وضعیت، بدان سبب است که قوم یکپارچه قلمداد می‌شود و تفاوتی بین افراد یک قوم در ارتکاب عملی مانند قتل و یا خسارت وجود ندارد (عبدی، ۱۳۶۷: ۶۰). درگیری‌های قومی، ممکن است ناشی از اختلافات و درگیری دو نفر باشد و همان دو نفر نیز شروع‌کننده دعوا باشند و ممکن است به دلایل قومی، به صورت همگانی و اعلان عمومی آغاز شود. در هر دو صورت، خسارت به وجود آمده بر عهده کل قوم است. این نوع قتل‌ها، عمدتاً در

روستاها و مناطق عشایری با بافت قبیله‌ای اتفاق می‌افتد؛ گرچه در سالیان اخیر قتل کمتر شده، اما زمینه‌ها همچنان هموار است؛ چنان‌که در سال ۹۴ و ۹۵ طی درگیری قومی در نزدیکی همین منطقه، بیش از ۱۵ نفر کشته شده و خسارات زیاد دیگری به خانواده‌ها و منطقه تحمیل شده است. مسلح‌بودن مستمر مردم منطقه به سلاح گرم و تعصبات قومی همواره موجب شکل‌گیری درگیری‌هایی توأم با اعمال خشونت فراوان و کشته‌یا زخمی‌شدن جمعی از افراد بوده است.

پدیده خون‌بس در واقع، پایانی - هرچند موقت - بر این درگیری‌ها است؛ در این رسم، دیه قتل، تعیین و می‌بایست به طایفه مقتول پرداخت شود. از جمله مفاد قرارداد خون‌بس، در مسائلی مانند قتل، آن است که یکی از دختران طایفه قاتل، به ازدواج یکی از افراد خانواده مقتول درآید. چنان‌که یکی از این‌گونه دختران می‌گوید:

از ابتدا نامزد پسر عمویم بودم تا اینکه شش ماهه شدم و از قضا، درگیری شدیدی میان طایفه ما و طایفه دیگری رخ داد و یکی از افراد طایفه مقابل، کشته شد. آن‌ها پدرم را به‌عنوان قاتل معرفی کردند. بعد از جلسات محلی فراوان، دو طایفه تصمیم به صلح و سازش گرفتند و در نهایت جلسه خون‌بسی برگزار شد. در جلسه، طایفه مقتول بهانه گرفتند که حتماً یک دختر می‌خواهیم و چنین شد که من را انتخاب و علی‌رغم نامزدبودن با پسرعمو، صاحب نامزد جدیدی شدم. بر اساس تصمیم جلسه، کاغذی نوشتند و تحویل آن‌ها شد؛ اما بعد از این جلسه هم رفت‌وآمد بین دو طایفه به حالت عادی برنگشت و سال‌ها با یکدیگر ارتباط نداشتند تا اینکه من بزرگ‌تر (شانزده ساله) شدم و خانواده مقتول پیگیر مطالبه اجرای مفاد قرارداد خون‌بس شد و از من به‌طور رسمی خواستگاری کردند، اما مادرم راضی نبود و مدام اشک می‌ریخت و مانع انجام کار و پاسخ مثبت می‌شد تا این‌که چندسال بعد که مادرم از دنیا رفت، دوباره پیگیر شدند و بالاخره این ازدواج بعد از کشمکش‌های فراوان انجام گرفت.

۲-۵. قتل غیرعمدی

قتل غیرعمد، کشته‌شدن فردی به‌طور اتفاقی است که به‌عنوان میانجی در جنگ حضور

داشت و یا درگیری خاصی شکل نگرفته بلکه بر اثر تصادف یا مشارکت در کاری، فردی کشته می‌شود. در مواردی مشاهده شده که فرد به سبب درمان دندان خود، مراجعه کرده و بعد از کشیدن دندانش، فوت کرده، اما طایفه او، وی را یک مقتول به حساب آورده و از طبیب محلی یا ضارب دندان، طلب خسارت کرده‌اند و خون‌بس درباره او نیز جاری شد یا اگر فردی از طرفین در نزاعات سالیان گذشته، زخم عمیق برداشته و پس از مدتی فوت می‌کند نیز پدیده خون‌بس اجرا شده است؛ چنان‌که خانم ۵۰ ساله‌ای که به دلیل قتل غیرعمد و به‌عنوان بخشی از اجرای توافق‌نامه خون‌بس ازدواج کرده بود، ماجرا را چنین تعریف می‌کند:

سیزده ساله بودم که مادرم فوت کرده بود. طایفه ما به خاطر کمبود آب برای کشاورزی همواره با طایفه دیگری مشکل داشت و گاهی نزاع می‌شد. بالاخره یک روز که درگیری شدت گرفت، برادرم، ضربه‌ای به گردن و دندان‌های پدرشوه‌ر فعلی‌ام زد و او بعد از چندماه فوت کرد. بعد از فوت ایشان، همواره میان دو طایفه اختلاف بود و به اموال یکدیگر آسیب می‌زدند. در ادامه همین درگیری‌ها، پدرم هم تیر خورد. در این میان، فردی از طایفه دیگری که به‌عنوان میانجی و واسطه آمده بود تا این جنگ را خاتمه بدهد؛ زخمی شد و بعد از گذشت زمانی، او نیز فوت کرد. مدتی گذشت تا اینکه برخی از بزرگان، خوانین و کدخداهای ایلات همسایه واسطه شدند تا اختلاف را پایان داده و صلح برقرار نمایند. بعد از رایزنی زیاد، دو طایفه تصمیم به سازش و اجرای خون‌بس گرفتند. در جلسه خون‌بری، مقرر شد تا دو طایفه درگیر در جنگ، با همکاری یکدیگر، دیه فرد کشته‌شده را پرداخت کنند. من بخشی از آن دیه هستم؛ چراکه، دیه مقتول (پدرشوه‌ر فعلی‌ام)، چهار هکتار زمین، یک دختر، یک تفنگ، چند رأس گوسفند و مقداری پول برای مراسم فاتحه‌خوانی بود. این جور شد که من عروس خون‌بس شدم و هیچ اختیاری در انتخاب زندگی آینده‌ام نداشتم.

خانم ۶۲ ساله‌ای نیز ماجرای ازدواج خون‌بسی خود را چنین روایت می‌کند:

پدر شوهرم در حادثه‌ای میان طوایف کشته شد. من دختری از طایفه بزرگ و خانواده‌ای اصل و نسب‌دار هستم. طایفه ما کشاورز و صاحب ملک بودند. در یکی

از سال‌ها که فصل برداشت برنج بود و معمولاً مردم شبانه‌روز از محصول خود مراقبت می‌کردند، پدر شوهرم در حادثه‌ای، سرش زخمی شد. بعد از مدتی که درمان کردند، خوب نشد و بر اثر آن زخم، فوت کرد. بعد از مدتی، ریش سفیدان و بزرگان منطقه جمع شدند و مقرر شد طایفه ما دیه‌اش را پردازد؛ چرا که طایفه مقابل معتقد بودند که عمداً این مرد مورد هدف گلوله قرار گرفت و در نهایت طی جلسه‌ای، چند هکتار زمین و یک دختر به‌عنوان دیه‌اش تعیین شد و مدتی بعد، مراسم خواستگاری برگزار شد و من را به عقد شوهرم - که پسر مقتول است - درآوردند.

۳-۵. نقص عضو

اجرای رسم خون‌بس برای کسانی که عضوی از اعضای بدن‌شان قطع شده و یا زخم عمیقی بر می‌داشت نیز جاری می‌شد؛ مانند اینکه سر و یا دندان‌هایش می‌شکست. هر چند میزان دیه این افراد متفاوت بوده است اما در ذیل رسم خون‌بس تعریف می‌شد. برخی فقط یک دختر، برخی دیگر چند هکتار زمین به همراه یک دختر و تفنگ و... پرداخت می‌کردند. مقدار دیه، بستگی به عمق زخم و شکستگی عضو داشته است. در این مورد نیز چند نفر از مصاحبه‌شوندگان، دلیل ازدواج خود را نقص عضو فردی از بستگان شوهر فعلی خود معرفی کردند؛ چنان که خانم ۴۶ ساله‌ای می‌گوید:

پدر شوهرم در دعوی بین دو طایفه به‌عنوان میانجی شرکت کرد اما سر او شکست. بعد از مدتی که از درمان او گذشت، برای طلب دیه سر خود مراجعه کرد. جلسه خون‌بُری تشکیل و مقرر شد دختری به‌عنوان خون‌بس به یکی از فرزندان ایشان داده شود و این چنین شد که من - علی‌رغم نامزد بودن با فرد دیگری - به عقد شوهر فعلی‌ام که پسر فرد مضروب است، درآمدم.

۶. کنش گران خون‌بس

در اجرای خون‌بس، تعامل چند گروه یا عنصر اجتماعی ذی‌نفع در آن، با هدف پایان‌دادن به اختلافات قومی و ایجاد ارتباطات جدید برای انسجام میان دو طایفه قابل مشاهده و برجسته

است؛ گرچه در لایه‌های زیرین این توافق‌نامه، افراد دیگری مانند حکیم و طیب محلی، قاتل یا ضاربان و برخی زنان نیز تاثیرگذار هستند. این گروه‌ها عبارت‌اند از: الف) بستگان، بزرگان و آحاد طایفه مقتول؛ ب) بستگان، بزرگان و آحاد طایفه قاتل؛ ج) ریش‌سفیدان، خوانین، سادات، روحانیون و بزرگان صاحب‌نفوذ؛ د) قراردادهای ایلی؛ ه) زنان.

۱-۶. طوایف درگیر نزاع (وابستگان قاتل و مقتول)

بعد از وقوع درگیری و به‌ویژه قتل، فضای متشنج و ناآرامی در محدوده سرزمینی دو طایفه یا ایل به وجود می‌آید. افراد ایل در این مدت، در پی آسیب‌زدن به طرف مقابل هستند؛ مانند مسدود کردن راه‌های عبور و مرور، جلوگیری از استفاده مناسب از منابع آبی، کشاورزی و دامداری، تخریب برخی از اموال یکدیگر. حتی در مواردی از کمک طوایف دیگر که قرارداد همکاری با آن‌ها دارند و یا نسبت قوم و خویشی دارند، برای انتقام یا آسیب‌زدن به طرف مقابل استفاده می‌کنند.

بی‌تردید، هم در تداوم وضعیت تنش‌زا و ناآرام و هم در توافق برای سازش، افراد بزرگان هر دو طایفه نقش اولیه و اساسی دارند؛ بنابراین، مهم‌ترین عناصر و کنشگران این حوادث و یا رسوم، اعضای وابسته به دو طایفه درگیر بوده و در صورت عدم‌پذیرش نظرات کدخدایان واسط از سوی آن‌ها، مقدمات سازش و اجرای خون‌بس تحقق نمی‌یابد.

۲-۶. کدخدایان

نقش ریش‌سفیدان، کدخدایان و افراد دارای اعتبار اجتماعی در نزد ایلات در اجرای خون‌بس بسیار پررنگ است. آنان با رفت‌وآمد و انجام جلسات مستمر به‌دنبال میانجی‌گری برای سازش طوایف و منصرف کردن خانواده‌ها و افراد ایل از انتقام و ادامه نزاع هستند. این رفت‌وآمد بزرگان، گاهی سال‌ها به طول می‌انجامد تا بالاخره خانواده مقتول و طایفه او، متقاعد به اجرای خون‌بس شوند. در سالیان اخیر که مراجع قضایی و نیز سیستم‌های بیمه‌ای رواج یافته و بخش زیادی از اختلافات و تعیین دیات قتل و جرح از طریق آن‌ها انجام

می‌شود، اما باز هم نقش افراد ذی‌نفوذ برای تعیین نهایی و کاهش میزان دیات و خسارات بسیار پررنگ و موثر است. مقدمه سند زیر نمونه‌ای از نقش ویژه این دسته از عناصر خون‌بس است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم/ صورت جلسه سازش - در مورخه ۵۸/۷/۳ در بهترین ساعات، بنا به اقدامات خیرخواهانه و بشردوست سرپرستان و کدخدایان و جمعی از ریش سفیدان با جمعی از حضرات...». از نکات برجسته مصاحبه‌های انجام شده نیز ذکر عنوان بزرگان ایل و نقش موثر آن‌ها در تصمیمات بود؛ «وقتی کدخداهای و افراد در مجلس تصمیم گرفتند...». همچنین در بخشی از سند ازدواج یکی از دختران خون‌بس چنین آمده است: «در این وقت به صلاح و صواب دید مصلحین و خیراندیش و ریش سفیدان مصلحت کیش که شیوه ایشان صلح کیشی بود، بنا را بر اصلاح گذاشته‌اند و جهت قطع دیه زخم آقای (مضروب)، یک دختر به نام بنت فرزند را به پسر مقتول مجروح به نام ازدواج نموده».

۳-۶. قراردادهای ایلی

قراردادهای ایلی یکی از عناصر مهم و فعال در اجرای رسومات قومی است. اصولاً در نظام ایلی، بزرگان ایل، خان‌ها و کدخدایان در عقد قراردادهای صلح و جنگ، نماینده تام‌الاختیار ایل به‌شمار می‌آیند. از گذشته دور نیز در درون هر ایلی، به‌خاطر اختلاف‌ها و نزاع‌های گوناگون، قراردادهایی به‌صورت شفاهی یا مکتوب برای حل مسائل منعقد می‌شد که مبنای عمل نسل‌های بعد بوده است. برخی از این قراردادها مربوط به دوران معاصر است که طوایف به علل مختلف، آن‌ها را تدوین کردند. قدرت، جمعیت، اصالت قومی و ثروت طوایف در نوع و سطح قراردادها تاثیرگذار بوده است؛ چنان‌که قرارداد خون‌بری در طایفه علاء‌الدینی با طایفه خلیلی تا حدی متفاوت است.

در هر صورت، این قراردادهای موجود در ایل، به‌مانند دیگر کنش‌گران، در حوادث و رسمی مانند خون‌بس، تاثیرگذار و نقش‌آفرین هستند. آن‌ها تعیین‌کننده چگونگی سازش میان طوایف و یا میزان دیات و خسارات خواهند بود. در حقیقت، بسیاری از قراردادها،

راهنمای ایل برای چگونگی تعامل خود با دیگران می‌باشند. در ادامه چند نمونه از قرارداد ایلی ذکر می‌شود:

الف) قرارداد سال ۱۳۴۷ ش:

اقرار گردید در بین طوایف علی محمدخانی از طایفه محمدی و شیخی و خواجه میری و تیره‌های توابع آن‌ها و قسمتی که جز این‌ها می‌باشد. در مورد اختلافات که منجر به قتل می‌شود، برای مصالحه و سازش برادری حل و فصل می‌گردد. از این به بعد خون مرد عبارت از: یک دختر و ۳ پاره زمین و یک قبضه تفنگ موزر و یک رأس عوامل می‌باشد. لعنت خدا و نفرین رسول الله ﷺ آن کسی گرفتار خودش و برادران و فامیلش باشد که از آن تخلف نماید و خون زن هم یک دختر و دو پاره زمین و یک رأس عوامل می‌باشد. باز تخلف کننده به لعنت خدا گرفتار باشد و از علاءالدینی گری خارج و به غضب خدا گرفتار است. این اقرارنامه برای تمام و کلیه طایفه‌های علاءالدینی می‌باشد به تاریخ ۱۳۴۷/۵/۳۰. کریم خان ایزدان پناه / کلو قاضی / خونکار قیطاسی / فتح‌الله خان ایزدان پناه / رضاخون قاضی / آرضا قیطاسی / نصیرخان ایزدپناه / گلال قاضی / احمد شیخی / مصطفی خان ایزدپناه / طاهر خواجه میری / باقر شیخی / ناصرخان ایزدپناه / گوجونی خواجه میری / بهمن محمدی / محمد کریم شیخی / محمد ملاشیخی / علی نظر سهویی / محمد طاهر تقی زاده / کهیار شیخی / عبدمحمد شیخی / حسنقلی آشنود / علی حسین شیخی / جهانمرد سهویی.

در طایفه علاءالدینی قانون و میزان دیه به دوران علی محمدخان مشهور گشته است که به‌طور شفاهی در میان طوایف مطرح می‌شد. تا این که در سال ۱۳۰۶ ه.ش با حضور خداکرم‌خان و کاظم‌خان و در سال ۱۳۴۷ با حضور کریم‌خان و فتح‌الله خان دوباره قراردادی به صورت یک قانون ثابت مکتوب شد. تعیین میزان دیه برای دیه مرد، عبارت از: سه پاره (واحد شمارش زمین آبی) آبی، یک دختر، یک قبضه سلاح جنگی و یک راس گاو؛ و میزان دیه زن، دو پاره زمین آبی، یک دختر و یک رأس گاو بوده است (رگبارمقدم، ماندنی، ۱۳۷۸: ۳۰۳).

چنان که ملاحظه می‌شود، این قراردادها، یک حکم نسبتاً کلی را برای طوایف ذیل یک ایل یا وابسته به یک نظام خانی تعریف کرده‌اند و همه اعضای مشمول آن، بر اساس آن عمل می‌کردند. محتوای قراردادها نیز، به‌عنوان یک معیار و میزانی معین برای عموم افراد بوده است.

با این وجود، دسته‌ای از قراردادها وجود دارد که محتوای آن کلی نبوده بلکه برای یک مسئله خاصی نوشته شد، اما به جهت اهمیت آن، مفاد آن تعمیم داده شده و از آن به‌عنوان یک قرارداد معیار و عام استفاده می‌شود؛ نمونه قرارداد زیر، از این گونه است:

ب) قرارداد ۱۳۰۶ (هش) بین طوایف علاءالدینی:

غرض از تحریر و ترقیم این کلمات خیر است. فرجام حاضر شد فردی به نام کاید^۱ ندرشه و دهه محمد و اخوان و اولاد و فامیلی که دارند به صلاح دید آقایان خداکرم خان (کلانتر ایل کاظم خان) مع ریش سفیدان و کدخدایان دهه محمد و دهه شیخ و دهه خواجه میر که رفع خون و دعوی فرزند خود؛ مرحوم علی که به دست دهه کاید رُکُل قاضی مصدوم و مقتول شده، صلح و مصالحه دنیوی و طایفه‌گری مصالحه نموده‌اند به: سه پاره زمین از جمله املاک ماوی معروف به دو پاره دهه سرحدی که کاید رُکُل آن‌ها را قبلاً خریداری نموده‌اند و پاره تیت دهه باباخون و یک دختر ... که اسم [وی] معلوم و معین است و یک قبضه تفنگ یک تیر، صلح و مصالحه شده و در حضور خداوند عالم و رسول اکرم ﷺ و آقایان خداکرم خان و کاظم خان مع ریش سفیدان از امروز به بعد، نه خود و نه اولاد و نه ارقاب، حق و ادعایی و گفتگویی یا مذاکره‌ای به دهه قاضی نماییم. چنانچه ادعای دعوی و دیه خون فوق‌الذکر را دوباره نمائیم، ادعای حقیران باطل است. این چند کلمه از جهت رفع دعوا و ادعا نوشته شده و تحریر گردیده است. امضاء اثرانگشت خداکرم خان بهمئی / قاید علی کرم محمدی / قاید علی فتح / قاید خمباز خواجه میری / قاید ندرشه کاظم خان / یوسف خان / قاید محمد کاظم محمدی / قاید

۱. کاید (قاید) اصطلاحی است که برای احترام به افراد نسبت می‌دهند؛ مانند ملا، آقا.

نورمحمد کمایی / قاید بهمن محمدی / قاید علی خون / قاید محمد صالح شیخی /

قاید علیداد فرزند موسی خون / قاید عبدالرحیم شیخی.

چنان‌که ذکر شد، قرارداد فوق برای پرداخت دیه خون فردی به نام علی است، اما به سبب اهمیت سند و موضوع آن و نیز میزان تعیین‌شده برای دیه خون مقتول مفاد آن تا سال‌ها بعد، مبنای عمل دیگر طوایف نیز بود.

۴-۶. زنان

زنان، از کنش‌گران اصلی خون‌بس به‌شمار می‌آیند و گاهی با شنیدن خون‌بس، دخترانی که به‌سبب اجرای این سنت، ازدواج نموده‌اند، به ذهن متبادر می‌شود و شاید به‌همین دلیل است که مسمای خون‌بسی را عمدتاً زنان به دوش کشیده و با خود همراه دارند و در میان قوم، به عروس خینی (خونی) مشهور می‌شوند. بنا بر گفته برخی از زنانی که عروس خون‌بس شده‌اند، طایفه‌ای که دختر با آن‌ها ازدواج کرده و عروس آن‌ها شده، همواره نوعی فشار جمعی را بر او وارد می‌کنند و گاهی او را عتاب کرده و یا حتی مورد آزار و سختی قرار می‌دهند.

در همه فرآیند خون‌بس، زنان نقشی فعال دارند؛ در تدارکات، عزاداری، همراهی با مردان در جلسات صلح و در نهایت، در متن توافق‌نامه نیز، یکی از مفاد آن، ازدواج دختری از یک طایفه با مردی از طایفه دیگری است. در گذشته، ازدواج دختر با یکی از بستگان مقتول، از شرایط اصلی توافق بود و به‌همین دلیل در بیش‌تر طوایف شاهد حضور تعدادی از زنان هستیم که بدین‌شکل ازدواج کرده‌اند اما در دوره‌های اخیر، این وضعیت تغییر یافته است. اسناد و قباله‌های ازدواج و نیز محتوای مصاحبه‌ها، همگی نشان‌دهنده آن است که زنان به‌طور خاص در این سنت، حضور فعالی داشته و تأثیرات مهمی بر جای گذاشته‌اند. در بخش پیامدهای خون‌بس نیز این دسته از کنش‌گران، نمود بیشتری دارند؛ به عبارت دیگر، پیامدهای خون‌بس را به خوبی می‌توان در زنان، مطالعه و مشاهده کرد. در زیر نمونه‌هایی از متون قرارداد خون‌بس که به زنان اشاره دارد، ذکر می‌شود:

«یک برگ قباله زمین که به امضا حاضرین در صورت جلسه‌ی رفع نزاع رسیده و یک برگ مربوط به دختر..... که قرار شد به عقد آقای..... بابت دیه، باز هم به امضاء حاضرین

رسیده است» و نیز «صلح و آشتی را در بین قاتلان و مقتولان گذاشته‌اند و در زمینه خون مقتول، دختر را که نام آن ... [است] به عوض خون فرزند داده شد.

۷. شیوه اجرای خون‌بس

آیین برگزاری خون‌بس، متضمن رفتارهای جمعی توأم با ابراز احساساتی مانند: عزاداری و تسلیت به خانواده متوفی، گریه کردن زنان و مردان، شلیک تفنگ و البته ابراز پشیمانی و درخواست گذشت و مانند آن است که به تغییرات درونی و ذهنی و نیز رفتارهای عینی آن‌ها می‌انجامد. برگزاری جلسات خون‌بس، سبب عقده‌گشایی و فروکش کردن کینه‌های درونی افراد می‌شود. این مراسم که با تشریفات خاص و با حضور بزرگان، مهمانان و ریش‌سفیدان طرفین انجام می‌شود و برای پایان‌دادن به کینه و خون‌خواهی و برگرداندن آرامش و پرداخت خسارات است؛ بعد از جلسات مقدماتی و رایزنی‌های مفصل و موافقت خانواده و طایفه مقتول، فرد خطاکار (قاتل یا ضارب) به همراه بستگان ایلی خود، در برابر خانواده و طایفه فرد مقتول حاضر شده و رسم عذرخواهی را به‌جا می‌آورند.

مراسم خون‌بس، در یک روز مشخص (معمولاً پنج‌شنبه‌ها)، برگزار می‌شود. ابتدا صاحب مجلس (خانواده قاتل)، تمام اعضای طایفه را به‌عنوان مهمان و همراه دعوت می‌کند. سپس به همراه افراد فامیل و عده‌ای از بزرگان (ریش‌سفیدان و کدخداهای طایفه) سواره و پیاده و با نواختن ساز عزا و به همراه داشتن چندین رأس گوسفند و سایر وسایل پذیرایی از جمله: برنج، نان، تنباکو و مانند آن به‌سوی خانه پدر مقتول رهسپار می‌شوند (ارشادی فارسانی، ۱۳۸۸).

بعد از رسیدن به محل جلسه، چند ساعتی به دیدار و احوال‌پرسی و سپس پذیرایی مفصل اختصاص می‌یابد. معمولاً، شخص قاتل، در پناه یکی از بزرگان ایل وارد جلسه می‌شود؛ بدین معنا که به احترام آن شخص بزرگ، کسی به قاتل تعرض و توهینی نکند و او را مورد عفو قرار دهند.

هم‌چنین در این مراسم، یکی از بزرگان ایل - که از سوی دو طایفه قابل احترام و پذیرش است - قرآنی را در وسط مجلس گذاشته و از خانواده مقتول درخواست بخشش قاتل را می‌کند که معمولاً با گذاشتن شروطی بخشیده می‌شود. در ادامه، خانواده قاتل نیز

هدایایی برای خانواده مقتول می‌آورند که با آیین خاصی این هدایا پذیرفته می‌شود. بعد از انجام مراسمات اولیه و آشتی کردن دو طرف، جلسه رسمی هم‌اندیشی و تصمیم‌گیری شروع می‌شود. در ابتدای این جلسه، بزرگان طوایف درباره اهمیت گذشت، دوستی و برادری میان طوایف سخن می‌گویند. سپس از طایفه مقتول درخواست می‌کنند تا خواسته‌های خود را اعلام کنند. آن‌ها نیز بعد از کمی تعارف و مشورت با یکدیگر، مطالبات خود را توسط یکی از بزرگان، به صورت رسمی اعلان می‌کنند. ادامه جلسه، عمدتاً بحث بر روی این مطالبات متمرکز می‌شود و طرفین سعی بر تصویب و نهایی کردن درخواست‌های خود را دارند. بالاخره، با رایزنی خیراندیشان واسط، توافقی مشتمل بر چگونگی پرداخت خسارات و دیات افراد مقتول و مجروح، میان طرفین حاصل آمده و در سندی تنظیم و همه موارد تصویبی جلسه، مکتوب و با انگشت‌زدن و مهر و امضای جمعی از طرفین و بزرگان، مبنای عمل طوایف قرار خواهد گرفت.

در میان مردم منطقه صیدون، میزان پرداخت دیه در خون‌بس، در گذشته و تا حدودی در حال حاضر، یک دختر و سه یا چهار پاره (هکتار) زمین زراعی آبی و یک تفنگ در کنار دیگر انواع محدودیت‌های توافقی است. در برخی موارد، از جمله مفاد قرارداد خون‌بس، مهاجرت خانواده شخص قاتل از منطقه به جایی دیگر است.

سند زیر نمونه‌ای از این توافقات و اجرای خون‌بس است:

«بسم الله الرحمن الرحيم / صورت جلسه سازش - در مورخه ۵۸/۷/۳ در بهترین ساعات، بنا به اقدامات خیرخواهانه و بشردوست، سرپرستان و کدخدایان و جمعی از ریش سفیدان با جمعی از حضرات آقایان طایفه چراغ و دهه مدبگ [محمدیگ] به شرح ذیل خاتمه داده شده و در ازای دیه خون مرحوم مشهدی باراحمد فرزند مشهدی احمد مقدار چهار پاره^۱ زمین به اسامی: ۱- پاره کمالی مشهدی یاور ۲- پاره پای خُنک قبر فرزند مرحوم علی عسکر ۳- پاره مربوط به سوخته فرزند بیت الله ۴- پاره سهم غلام علی فرزند فرج الله که در چم واقع می‌باشد و یک قبضه تفنگ ده تیر مربوط به علی اکبر فرزند عسکر و دوشیزه ... فرزند ... و مورد قبول

۱. مقدار زمین آبی.

فرزندان مرحوم مشهدی باراحمد و مشهدی احمد قرار گرفته و از تاریخ خون طرفین رفع کدورت نموده و صحت کامل حاصل و هیچ‌گونه نارضایتی را ندارند/ اثر انگشت اعضای طرفین».

۸. انگیزه‌های اجرای خون‌بس

۸-۱. پرداخت بدهی و دیات

پرداخت دیه مقتول بر عهده مردان طایفه قاتل است. طبق گفته اهالی منطقه صیدون، پرداخت دیه بعد از تعیین در جلسه خون‌بری، در صورتی که پول تعیین شود، بر عهده کل طایفه است و قاتل نیز مانند دیگر اعضای طایفه فقط سهمی مشابه و شاید کمی بیشتر از سهم دیگر افراد پرداخت کند. جمع‌آوری پول دیه نیز به این صورت است که مجموع بدهی بر اساس دهه یا تَش (آتش) تقسیم می‌شود. در صورت تقسیم بدهی بر اساس تَش، پرداخت بدهی بر عهده مردان متاهل طایفه است؛ یعنی هر پسری از طایفه که دارای زن و بچه باشد، باید سهمی مشخص از دیه را پردازد. به‌عنوان نمونه، اگر فردی، سه پسر داشت که زندگی تشکیل داده‌اند، چهار سهم باید پرداخت کند؛ یعنی یک سهم خودش و سه سهم از سوی پسران متاهلش و یا اگر فردی، یک پسر داشته باشد، می‌بایست دو سهم بدهد. شیوه دیگر، تقسیم بر اساس دهه (بو) است که پرداخت بدهی بر عهده خانواده‌های بزرگ طایفه است و توجهی به تعداد فرزندان پسر آن‌ها ندارند بلکه بایست سهم آن خانواده به میزان مشخصی پرداخت شود. در این شیوه، یک خانواده با داشتن دو فرزند پسر متاهل با یک خانواده دارای شش فرزند پسر متاهل یکسان پرداخت می‌کنند؛ چون معیار پرداخت در این شیوه، خانواده بزرگ (جدّ) است. همه این گونه‌های مشارکت در پرداخت بدهکاری، نوعی از عدالت ترمیمی است که همه اعضای یک جامعه سعی در شکل‌گیری انسجام اجتماعی دارند.

۸-۲. صلح و سازش

بعد از برگزاری مراسم خون‌بس صلح و سازش و لو به‌صورت صوری بین دو طایفه

به وجود می‌آید؛ هرچند ممکن است رفت و آمد با محدودیت‌هایی همراه باشد؛ اما همین که از درگیری و نزاعات علنی جلوگیری می‌شود، از نظر نظام ایلی بسیار مهم است.

۸-۳. همبستگی ایلی

جلسه خون‌بس، به طور غیرمستقیم همبستگی نظام ایلی را به دنبال دارد و از همین روست که خوانین یک منطقه تلاش زیادی دارند تا سازش بین طوایف درگیر شکل گیرد. قاسم از بزرگان طایفه خلیلی می‌گوید: «زحمت و تلاش کدخداها و خان‌ها برای خون‌بری و خاتمه‌دادن به درگیری و جنگ، عمدتاً به دلیل حفظ طوایف و جدانشدن آن‌ها از منطقه‌ی تحت نفوذ خود بود» (مصاحبه، ۱۳۹۶/۱/۹).

۸-۴. رفع حصر و موانع رفت و آمد

چنان‌که ذکر شد بر اثر درگیری و احیاناً ارتکاب قتل، جرح و یا ایجاد خسارت میان طوایف، محدودیت‌هایی برای رفت و آمد در یک منطقه ایلی به وجود می‌آید که برگزاری جلسه خون‌بس بسیاری از این موانع ارتباطی را برمی‌دارد؛ چنان‌که یکی از بزرگان طایفه خلیلی می‌گوید: «... بعد از جلسه خون‌بری قتل، راه عبور و مرور طوایف باز می‌شد و اجازه می‌یافتند که به بیلاق بروند...» (مصاحبه، ۱۳۹۶/۱/۱۰).

۸-۵. جبران خسارت

یکی از آثار مثبت مراسم خون‌بس، تعیین و پرداخت خسارت‌های واردشده به هر دو طایفه است. چنان‌که در جلسات متعدد، همه هزینه‌ها و خسارت‌های جانی و مالی، لیست می‌شود و بعد از تطبیق با یکدیگر و کم کردن بخشی‌هایی از آن‌ها به عنوان مقابله با خسارات یکدیگر، باقیمانده بر ذمه طایفه بدهکار به‌شمار می‌آید و چگونگی پرداخت آن تعیین می‌شود. به گفته جامعه‌شناسان، این عمل از گونه‌های عدالت ترمیمی است؛ فرایندی که طی آن، تمامی اشخاصی که در پدیده مجرمانه دخیل هستند، گرد هم می‌آیند تا با مشارکت همدیگر در مورد آثار و نتایج عمل مجرمانه و آینده بزه‌دیده و بزه‌کار و جامعه بعد از وقوع جرم، چاره‌اندیشی کنند (عباسی، ۱۳۸۲: ۵۷).

۹. آثار و پیامدهای پدیده خون‌بس

۹-۱. آثار فردی

در حوزه عوامل فردی، می‌توان از دو منظر به آن پرداخت؛ یک منظر، دیدگاه افراد قوم است و منظر دیگر، دیدگاه افراد بدون وابستگی قومی است.

در دیدگاه قومی، عمده کنشگران خون‌بس، آثار آن را با توجه به شرایط اجتماعی و مشکلات اقتصادی مردم، مثبت ارزیابی می‌کنند. بزرگان ایل، خوانین، برخی از والدین و نیز همسران زنان خون‌بس بر این دیدگاه هستند. آنان در مجموع، از نتایج و پیامدهای خون‌بس راضی‌اند؛ چراکه سبب سازش اقوام، ازدواج برخی افراد، گسترش روابط بستگانی و در نتیجه ایجاد هویت ایلی گردیده است.

از منظر برخی افراد که آثار خون‌بس را بدون توجه به تعصبات قومی ارزیابی می‌کنند، پدیده خون‌بس، پیامدهای فردی ناگواری را در پی داشته است؛ آنان مسائلی همچون: افسردگی، ناراحتی اعصاب، انواع خودکشی، ناامیدی و ناراضی‌بودن از زندگی به‌ویژه در نزد زنان خون‌بس را نتیجه این پدیده ذکر می‌کنند. برخی از زنان خون‌بس، معتقد بودند که آنان قربانی اهداف نظام ایلی و مقاصد خوانین شده‌اند و گرچه در ظاهر از نعمت خانواده برخوردار شدند، ولی به‌خاطر آنکه با رضایت نبوده و بعد از ازدواج نیز در میان مردم، نوعی برچسبِ خونی به آن‌ها زده شده، احساس خوش‌بختی نمی‌کردند. چنان‌که خانم ۴۰ ساله‌ای که به‌عنوان «خون‌بسی» ازدواج کرده، می‌گوید: «همین‌که عنوان «زن خونی» را به من می‌دادند، ناراحت بودم و احساس بدی داشتم؛ با وجود اینکه سند و قبالة خونی را پاره کردند و سند ازدواج را معمولی نوشتند اما این‌که در بین مردم، من به‌عنوان خون‌بسی معرفی می‌شدم، آزاردهنده بود. رفتار شوهرم خوب بود و همیشه در مقابل مادرش و اطرافیانم از من دفاع می‌کرد اما همواره با مشاجره‌های طایفه‌ای مواجه بودم. الان که بیست سال از زندگی‌ام می‌گذره، احساس خوشبختی نمی‌کنم. فکر می‌کنم آگه عروس خون‌بس نمی‌شدم، موفق‌تر بودم. حتی چندبار تصمیم به خودکشی گرفتم. در حال حاضر، ناراحتی اعصاب و استرس دارم. لذا به هیچ‌وجه حاضر نیستم دخترم را به ازدواج خونی (خون‌بس) بدهم» (۱۳۹۶/۱/۹).

از ویژگی‌های شخصیتی زنان خون‌بسی، عدم تمایل به شکل‌گیری ارتباطات مناسب میان خود و خانواده شوهرشان است. اکثر این افراد، روح و روان‌شان رنجور و آزرده‌خاطر است. همچنین این گونه زنان، دچار سرخوردگی، احساس ناامنی، اضطراب و استرس و عدم احساس خوش‌بختی می‌باشند. برخی از این زنان، از حضور در محیط اجتماع زنانه و عمومی و به‌ویژه با برخی از بستگان نزدیک شوهر خود پرهیز کرده و یا احساس بدی دارند؛ حتی در پوشش و سبک و شکل ظاهری خویش، به‌ویژه در شیوه لباس‌پوشیدن و نشست در جمع و محافل محلی، [در مقایسه با] سایر افراد جامعه احساس کم‌توجهی و کم‌مهری می‌کنند (خسروی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۰۲)؛ بنابراین، پیوسته به تمجید و توجه دیگران نیازمندند و در روابط خود با خانواده خود و نیز با دیگران دچار مشکل هستند. اغلب این زنان، این احساس را دارند که والدین‌شان از نظر عاطفی نسبت به آنان بی‌توجه‌اند و با اینکه بیش از حد به آنان محبت کرده و ارج می‌نهند اما ریشه همه مشکلات و سختی‌های زندگی روزمره خود را ناشی از تصمیم بزرگان قوم و پیروی والدین خود می‌دانند.

۲-۹. آثار اجتماعی

سنت خون‌بس به‌مثابه نماد همبستگی قومی، دینی و محیطی، در واقع نوعی تجدید سنت‌های حسنه بومی است. برخی آن را رسم نیکی برای «جلوگیری از ادامه جنگ و دعوا و پایان دادن به قتل و کشتار و اصلاح روابط خانواده‌ها» می‌دانند (روزنامه اشراق، ۹۱/۵/۷ شماره، ۱۵۸۸)؛ البته برخی می‌گویند: سنتی، ضد زن است.

در مجموع، با مشاهده وضعیت زندگی عواملان درگیر در این رسم - به‌ویژه زنان - می‌توان گفت: این پدیده، دارای آثار مثبت و منفی اجتماعی متعددی است. پدیده خون‌بری، برای طوایف و نظام ایلی به‌لحاظ اجتماعی، خوب است و سبب همبستگی و اتحاد خویشاوندی بین اهالی منطقه می‌شود. از طرفی اختلافات در درون ایل به‌آسانی و با توافق حل و فصل می‌گردد؛ حتی هزینه کمتری در بردارد؛ اما به‌لحاظ جایگاه اجتماعی زن، یک پدیده ضدزنان است؛ زن در این جریان، مورد ظلم و نادیده‌گرفتن شخصیت قرار می‌گیرد؛ به‌طوری‌که اکثر زنان خون‌بسی از این جریان رنج برده و احساس نارضایتی فردی دارند و نیز دچار نوعی سرخوردگی اجتماعی و از دست دادن عزت‌نفس و شخصیت

اجتماعی شده‌اند. برچسب خوردن در میان ایل، بزرگ‌ترین داغی است که زنان خون‌بس از آن رنج می‌برند.

نکته دیگر آثار اجتماعی این پدیده، نوع واکنش‌های بدی است که افراد ایل نسبت به عروس خون‌بس دارند. اکثر افراد یک ایل، احساس طلبکاری از وی دارند و لذا با دیدن او، رفتارها و کلامی توهین‌آمیز و اذیت‌کننده انجام می‌دهند و همواره جریان قتل و یا درگیری و خسارت‌ها را یادآوری می‌کنند. سخنان بزرگان قوم نیز نشان می‌دهد که پدیده خون‌بس در بلندمدت موفق نبوده است و نتوانسته ریشه اختلاف و درگیری میان اقوام را حل کند؛ چرا که بعد از گذشت مدت زمانی، با اتکاء به همان مسائل قبلی، درگیری و نزاع از نقطه‌ای دیگر آغاز می‌شود؛ بنابراین اصل پدیده خون‌بس، یک تسکین‌دهنده موقت به‌شمار می‌آید؛ با وجود این، زن به‌ناچار آینده زندگی طولانی‌مدت خود را با آن گره می‌زند.

۱۰. نقدی بر خون‌بس از منظر اسلام

نظام عشیره‌ای تا قبل از اسلام همه تعاملات اجتماعی و اقتصادی خود را بر اساس قراردادهای و رسومات مقبول قبایل بنیان نهاده و بر اساس آن عمل می‌کردند. برخی از این رسومات از آنجا که با آموزه‌های اسلام ناسازگار بوده، در اسلام ممنوع شده مانند: بت‌پرستی، ازدواج با برخی محارم، زنده به گور کردن دختران^۱؛ اما دسته‌ای از آداب و رسوم نیز مورد امضاء و تأیید اسلام قرار گرفته و همان سنت نیز در میان مسلمانان تداوم یافت؛ مانند حج و عمره، امانت‌داری برخی قبایل، عدم ازدواج با مادر و خواهر و قطع کردن دست دزد.

با این وجود، به نظر می‌رسد برخی از رسوم که اصل آن‌ها برگرفته از نظام عشیره‌ای است، به تدریج و با گذشت زمان و به سبب گسترش آموزه‌های اسلام، جوهری از آن‌ها، دچار تغییر شده و با آموزه‌های اسلام ممزوج شده و شکل مشترکی از سنت قبیله‌ای و اسلامی مبنای عمل برخی خرده‌فرهنگ‌ها شده است. بر این اساس، می‌توان یک ارزیابی و نقد بینابینی را از آنان ارائه کرد؛ بدین معنا که اسلام، آن جوهری از رسومات قومی را که با

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: نه‌ایة‌الارب، چاپ بغداد، ص ۴۰۸-۴۰۹.

آموزه‌های الهی ناسازگار است، به‌شدت نهی می‌کند و درصدد اصلاح آن است و آن بخشی از رسومات که ترویج‌دهنده آداب و آموزه‌های اسلامی است را تأیید و تشویق می‌نماید.

خون‌بس نیز در این نوع از رسوم تلفیقی جای می‌گیرد؛ چراکه ابعادی از آن مانند: گذشت، صلح و دوستی، وحدت، احترام به بزرگان خیراندیش، همخوان با مبانی و دستورات دینی دارد؛ اما برخی از وجوه آن مانند: پرداخت‌های اجباری و یکسان، ازدواج دختران به‌عوض دیات و خسارات و برخی آداب مقدماتی آن با اصول و آموزه‌های اسلام ناسازگار بوده و بالطبع مورد تأیید نیست؛ بنابراین می‌توان گفت؛ رسوماتی مانند خون‌بس، علی‌رغم بسیاری از وجوه مثبت و مورد تأیید اسلام، هنوز نتوانسته از آن مبانی و اهداف نظام ناعادلانه سنتی که در برخی سنن قبایل وجود داشته، جدا شود و در مواردی که زمینه اجرای آن وجود دارد، آسیب‌ها و ناسازگاری‌های خود را نیز به همراه دارد. قرار گرفتن این وجوه دوگانه در کنار یکدیگر، خون‌بس را دچار یک نوع تضاد محتوایی و شکلی کرده است.

در اسناد مکتوب خون‌بس و نیز گفت‌وگوهای انجام‌شده با کنشگران آن، نیز این دوگانگی و تضاد محتوایی و شکلی قابل‌درک و مشاهده است. چنان‌که از یک‌سو، متن مکتوب در اکثر اسناد، قباله و قراردادهای موجود، با نام و یاد خدا و تکیه بر قرآن کریم و ائمه معصومین: آغاز می‌شود و یا قرآن کریم و معصومین: به‌عنوان واسطه و قاضی نهایی تعیین شده است. نمونه زیر گواه این سخن است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم - ۱۳۷۰ / ۸ / ۱۵؛ الحمد لله رب‌العالمین و الصلوة و السلام علی رسول‌الله ﷺ و ائمة اطهار : و المومنین والمومنات؛ بعد از حمد و سپاس خداوند و درود بر حضرت محمد ﷺ؛ قرارداد فی [ما] بین دهه...».

همچنین، در پایان برخی از اسناد نیز از اصطلاحات فقه اسلامی و نیز اسامی جلاله خداوند برای فصل‌الخطاب استفاده شده است:

«.... نشست تمام معتمدین و ریش‌سفیدان آن‌ها در برابر وجدان برادری و طبق کلام‌الله مجید...» و یا «هیچ‌کدام از نفراتی که در این صورت جلسه هستند، بخواهند سرپیچی بنمایند، در دادگاه انقلاب محکوم خواهند شد و سزای ما با کلام‌الله مجید خواهد بود».

اما از سویی دیگر، برخی از مفاد توافقات خون‌بس، با همین متون اسلامی که در ابتدا و انتهای مکتوبات ذکر شده، سازگاری ندارد؛ مانند: قراردادن دختران به عوض ديه، یکسان پرداختن بدهی‌ها علی‌رغم تفاوت در توانایی و دارایی اموال و یا الزام همگان به پرداخت خسارات علی‌رغم عدم مشارکت در نزاع؛ چنان‌که در سندی آورده شده:

«... از این به بعد خون مرد عبارت از: یک دختر و ۳ پاره زمین و یک قبضه تفنگ موزر...» و نیز «... برای ديه مرد، عبارت از: سه پاره (واحد شمارش زمین آبی) آبی، یک دختر، یک قبضه سلاح جنگی و یک رأس گاو؛ و میزان ديه زن، دو پاره زمین آبی، یک دختر و یک رأس گاو بوده است».

این گونه مفاد، چنان‌که ذکر شد، از دو منظر قابل نقد است: اولاً با محتوای بخش دیگر اسناد که در بردارنده اسامی و القاب دینی است، همخوانی ندارد و ثانیاً قراردادن یک دختر به جای پرداخت بخشی از بدهی، نوعی ظلم به شخصیت و کرامت انسانی زن است؛ خاصه آنکه زن از منظر اسلام دارای جایگاه و ارزش والایی است و آنان را در کنار مردان قرار داده است؛ چنان‌که در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که به اشتراک زن و مرد در تکلیف‌مندی و مسئولیت‌پذیری در قبال اعمال^۱، یکسانی ثواب و عقاب در اعمال مشابه^۲، اشتراک هر دو در شناخت و فهم اصول دین^۳ و مؤلفه‌هایی مانند اختیار و رسیدن به حیات طیبه^۴ اشاره دارند (علاسوند، ۱۳۹۰: ۱۹-۲۰).

نتیجه‌گیری

خون‌بس یک پدیده اجتماعی است که در میان برخی از طوایف و ایلات ایران به اشکال گوناگون وجود دارد. این پدیده، در میان ایل بهمنی ساکن در منطقه صیدون، نیز جریان دارد و اگرچه در سالیان اخیر به سبب گسترش نظامات حقوقی جدید و رواج نظام‌های حمایتی مانند بیمه، کمتر شده است. اجرای خون‌بس باعث می‌شد تا تعدادی اموال منقول و

۱. سوره اعراف: ۱۹-۲۴، سوره احزاب: ۷۲-۷۳.

۲. سوره آل عمران: ۱۹۵؛ سوره نساء: ۱۲۴؛ سوره فتح: ۴-۶.

۳. مراد آیاتی است که مرد و زن را به ایمان و اعتقاد به خداوند، روز واپسین و نبوت پیامبران دعوت می‌کند.

۴. سوره نحل: ۹۷.

غیرمنقول و نیز یک دختر به‌عنوان دیه قتل یا جرح و خسارت میان طوایف درگیر نزاع مبادله شده و با یکدیگر سازش کنند.

در نظام عشیره‌ای، هر فرد علاوه بر هویت فردی، دارای یک هویت جمعی است که باید متعهد به رعایت آداب و محدودیت‌های آن هویت جمعی (قومی) باشد. در این گونه جوامع، انسجام و همبستگی وجود دارد و ارتکاب جرم نسبت به یک نفر، تجاوز و توهین به تمام افراد آن جامعه به‌شمار می‌آید؛ همچنین، بدهی سنگین یک نفر، بدهی همه طایفه محسوب می‌شود؛ بنابراین، همه افراد ایل باید در پرداخت بدهی‌های منسوب به ایل مشارکت داشته باشند.

خون‌بس از انواع رسومی است که سوای از آثار معنوی مانند سازش، متضمن پرداخت بدهی‌های یک طایفه به طایفه مقابل است. از جمله موارد توافقی به‌عنوان بخشی از بدهی، ازدواج دختری از طایفه قاتل با یکی از بستگان مقتول است. این رسم، سوای از آثار و اهداف اجتماعی ایلی، به سبب نادیده گرفتن حقوق زنان و حقوق برخی دیگر از افراد ایل که مشارکتی در نزاع نداشته و یا توان مالی ندارند، آثار فردی و اجتماعی نامناسبی را نیز به همراه داشته است. زن همواره در زیر فشار اجتماعی عنوان «خون‌بسی» بوده و به تبع آن، تفاوت‌های رفتاری محسوس و نیز برخی ناسازگاری‌های زندگی را نسبت به دیگر زنان ایل، متحمل می‌شود. از منظر اسلامی نیز، این سنت در کنار کارکردها و آثار مثبت خود، معایبی دارد که می‌بایست اصلاح شود و ضروری است تا عاملین این سنت، ضمن حفظ و تأکید بر جریان داشتن وجوه مثبت آن، از اجرای وجوه ناپسند آن پرهیز کنند.

کتابنامه

۱. ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵)، مقدمه، ترجمه: محمد پروین گنابادی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. ارجمندی، غلامرضا و ابوالقاسم نوروزی (۱۳۸۹)، «حل منازعات قومی در میان عشایر بختیاری شهرستان ایذه و رسم خون‌بری یا خون‌بس»، تهران: مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ش ۱.
۳. ارشادی فارسانی و محمد عیدی (۱۳۸۸)، فرهنگ بختیاری، تهران: نشر آرون.
۴. افشارنادری، نادر (۱۳۹۱)، ایل بهمئی، با همکاری: جواد صفی‌نژاد و الویا رستریو، تهران: نشر خجسته.
۵. امیراحمدیان، بهرام (۱۳۷۸)، ایل بختیاری، تهران: نشر فاروس.
۶. ایوانف، میخائیل سه‌گیویچ (۱۳۸۵)، عشایر جنوب، ترجمه: کیوان پهلوان و معصومه داد، تهران: نشر آرون.
۷. بخشی، زیبا (۱۳۸۴)، خون‌بس در کهگیلویه و بویراحمد، یاسوج: نشر سازمان بسیج.
۸. توسلی، غلامعباس (۱۳۶۰)، «دورکیم و تقسیم کار اجتماعی»، تهران: مجله: نشر دانش، ش ۵ و ۶.
۹. خسروی، عبدالعلی (۱۳۷۲)، تاریخ و فرهنگ بختیاری، ج ۲، اصفهان: نشر حجت.
۱۰. داوری، بهرام (۱۳۴۳)، ضرب‌المثل‌های بختیاری، تهران: طهوری.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۴)، لغت‌نامه، زیر نظر: دکتر معین، تهران: دانشگاه تهران، صحافی سیدین.
۱۲. _____ (۱۳۹۰)، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. راولینسون (۲۵۳۶)، سفرنامه هنری راولینسون به لرستان - خوزستان - بختیاری، مترجم: سکندر امان‌اللهی، خرم‌آباد: نشر انجمن ادب و قلم.
۱۴. رحمتی، حشمت‌الله (۱۳۸۶)، قوم لر در آینه تاریخ، خرم‌آباد: انتشارات شاپورخواست.

۱۵. رستریو، الویا (۱۳۷۸)، زنان ایل بهمئی، مترجم: جلال‌الدین رفیع‌فر، چاپ اول، تهران: نشر پژمان.
۱۶. رگبارمقدم، ماندنی (۱۳۷۸)، قیام طایفه علاء‌الدینی علیه رضاخان پهلوی در سال ۱۳۶۱، یاسوج: نشر چویل.
۱۷. زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۸)، تاریخ صدر اسلام عصر نبوت، تهران: انتشارات سمت.
۱۸. طالبی حسین و محمدسالم محسنی (۱۳۹۵)، «رابطه حقوق بشر و انسان‌شناسی»، فصلنامه: انسان‌پژوهی دینی، ش ۳۵.
۱۹. عباسی، مصطفی (۱۳۸۲)، میانجی‌گری کیفی، تهران: انتشارات دانشور.
۲۰. عطاشنه، منصور (۱۳۶۹)، رسیدگی‌های شبه‌قضایی در مناطق عرب‌نشین خوزستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۲۱. علاسونند، فریبا (۱۳۹۰)؛ زن در اسلام، قم: نشر هاجر.
۲۲. فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)، تاریخ نظریات و اندیشه انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.
۲۳. قرار دادها و اسناد محلی
۲۴. گودرزی، حسین (۱۳۷۴)، سیمای عشایر شرق لرستان، نام شهر: تهران: انتشارات ترسیم.
۲۵. معین، محمد (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۶. مکین روز، الیزابت (۱۳۷۳)، با من به سرزمین بختیاری بیایید، ترجمه: مهرباب امیری، تهران: نشر آتران.